

کارکرد نهادهای بر ساخته در خاورمیانه از منظر جامعه بین الملل مکتب انگلیسی

سیدمحمدجواد هاشمی^۱

شهر روز ابراهیمی^{۲*}

چکیده

تشکیل نظام بین الملل در خاورمیانه مبتنی بر یک نظام منطقی است که پس از استعمار بوجود آمد و کشورهای بوجود آمده از استقلال و حاکمیت خود دفاع میکردند. این کشورها برای نشان دادن مشروعیت بخشی و تمایل همکاری با یکدیگر، نهادهای بر ساخته‌ای را در چارچوب نظام دولتها بوجود آوردند که از ویژگیهای مکتب انگلیسی است که شامل اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس و سازمان اوپک می باشد. این نهادها برای همبستگی میان کشورهای خاورمیانه بوجود آمدند. هدف این نوشتار، بررسی نقش و جایگاه نهادهای بر ساخته در جامعه بین الملل خاورمیانه است. پرسش اصلی این است که آیا نهادهای بر ساخته توانسته اند به شکل گیری جامعه همبستگی گرای بین الملل خاورمیانه کمک کنند؟ فرضیه این پژوهش آن است که با وجود نهادهای بر ساخته، جامعه بین الملل در خاورمیانه شکل نگرفته است. این پژوهش از منظر پارادایم جامعه بین الملل مکتب انگلیسی نشان می دهد در این منطقه تنش و نزاع متناوب بیش از انسجام و صلح است. به عبارت دیگر نهادهای بر ساخته در خاورمیانه رژیمهایی هستند که نه تنها به شکل گیری جامعه بین الملل خاور کمک نکرده اند بلکه باعث افزایش تنش شده اند. این پژوهش در چارچوب سنت خردگرا و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است

واژگان کلیدی: نهادها، خاورمیانه، جامعه بین الملل، مکتب انگلیسی



فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره یازدهم، شماره

دوم، شماره پیاپی

چهل و یک

تابستان ۱۴۰۰

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل. دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه اصفهان نویسنده مسئول

* sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۶

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و یک، صص ۲۳۹-۲۲۱

مقدمه

چهره وستفالیایی کشورهای منطقه خاورمیانه با سقوط دولت عثمانی و تشکیل نظام بین‌الملل از طریق ایجاد کشورهای ملی مستقل، ظهور یافت. این کشورها پس از پیدایش بر دو ویژگی خود پافشاری کردند که عبارتند از استقلال و حاکمیت. از سوی دیگر از نشانه‌های قابل توجه ظهور نظام در خاورمیانه شکل‌گیری نهادهای برساخته در آن بوده- است. کشورهای خاورمیانه با اعلام پابندی به سازمان ملل، رسمیت یافتن خود را اعلام و کسب کردند و برای حفاظت از آن اقدام به ایجاد نهادهای برساخته نمودند برخی از آن نهادها فرو ملی و برخی دیگر فراملی هستند. برای نشان دادن وضعیت و کارکرد این نهادها از مفهوم جامعه بین‌الملل مکتب انگلیسی (سنت گرسیوسی) استفاده شده است. وجود عناصری در خاورمیانه که برای تعامل ایجاد شده بودند اما اغلب باعث تعارض گردیدند ناهماهنگی‌های عمیقی در این منطقه در سطح نظری و عملی جامعه بین‌الملل بوجود آورده است. به نظر می‌رسد که در خاورمیانه عدم هماهنگی میان الزامات حاکمیت و ناسیونالیسم باعث ایجاد تنش و ناکامی در گسترش بیشتر نهادهای برساخته می‌شود و این در حالی است که پویایی دیپلماسی و نقش قدرت‌های بزرگ مانع از آن است که این تنش‌ها حل شود. در واقع کشورهای خاورمیانه حاصل تلاش خط‌کش و مداد است؛ یعنی اغلب این کشورها توسط بریتانیا و فرانسه از روی نقشه ساخته شده‌اند، بریتانیا با خط‌کش و مداد کشورهای فلسطین، اردن و عراق را ایجاد کرد و فرانسه، لبنان و سوریه را به وجود آورد. آنها در این کشورهای تأسیسی به مسائل هویتی توجه نکردند و بعدها گروه‌های مذهبی و نژادی به یکدیگر پیوستند و با تشکیل نهادهای فراملی علیه حکومت مرکزی فعال شدند. پس از آن بحران مشروعیت خود را نشان داد و به رویه‌ای در کشورهای خاورمیانه تبدیل شد که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کودتاهای مختلف نشان‌گر آن بود. کودتای جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ در مصر که به پان عربیسم انجامید از آن جمله است. نزاع میان ملی‌گرایی و پان عربیسم به اتحاد مصر و سوریه انجامید که ایجاد جمهوری عربی متحده ریشه در همان جا دارد. (Sluglett and Farouk-Sluglett, 1993: 258-9) طی کودتایی در سوریه حاکمیت سستی بازگشت و جمهوری

متحد عربی فروپاشید. این فروپاشی، شکست بزرگی برای ناسیونالیسم عربی بود. پس از آن ناکامی و بحران مشروعیت دولت‌ها، هرکدام از آن‌ها به انزوا رفتند و شروع به اقدامات ملی نظیر ساخت راه‌ها، بندرها، مدارس، بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها برای خود کردند و منافع ملی را پیش گرفتند. این دولت‌ها در جهانی که هر چه بیشتر به یکدیگر وابستگی می‌یافتند امکان بقا در انزوا را نداشتند. بنابر این کشورهای خاورمیانه در جستجوی مشترکاتی بودند تا در قبال آنها بتوانند در چرخه مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار گیرند. پس از تشکیل دولتها در این منطقه نهادهایی شکل گرفت که برخی فرا ملی و برخی فرو ملی شکل بودند و به دلیل ضعف عملکرد نهادهای بین دولتی تمایل به گسترش سنت انقلاب گرا در خاورمیانه افزایش یافت.

با توجه به شکل‌گیری نهادهای برساخته در خاورمیانه پرسش اصلی این است که آیا این نهادها به شکل‌گیری جامعه بین‌الملل خاورمیانه خواهد انجامید؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد که با توجه به وجود نهادها و عناصر و منافع متعارض در این منطقه، بی‌ثباتی و کشمکش ادامه خواهد یافت و ساختار دولتهای بزرگ به نهادهای برساخته میان دولتی امکان فعالیت نخواهد داد و با افزایش شبکه ارتباطی سنت انقلاب گرا در خاورمیانه فعال می‌شود. این پژوهش در چارچوب مکتب انگلیسی و بهره‌مندی از سنت جامعه بین‌الملل به روش توصیفی - تحلیلی ارائه می‌گردد.

۱. چارچوب نظری

جامعه بین‌الملل (سنت گروسیوسی) یکی از ارکان اصلی مکتب انگلیسی است که مبتنی بر نظم و قانون است (Buzan, 2005, 132). این دیدگاه مبتنی بر تعریف مارتین وایت است که معتقد است جامعه بین‌الملل از نظر شکلی تا حدودی به تشابه فرهنگی میان اعضا بستگی دارد (Buzan, 2004, 332). به عبارت دیگر چنین جامعه‌ای مبتنی بر پذیرش نهادهای اصلی و ستفالیایی نظیر حاکمیت، سرزمین، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل است. هدلی بول دولتها را به‌عنوان نهاد اصلی جامعه بین‌الملل قلمداد می‌کند که قوانین جامعه را اداره می‌کنند، تفسیر می‌کنند، مشروعیت می‌بخشند، حفظ می‌کنند، اعمال می‌کنند، یا باعث تغییر آن‌ها می‌شوند. (Bull; 1990; 43) از سوی دیگر هدلی بول با توجه به تعریف وایت از جامعه بین‌الملل، برای شکل‌گیری آن چهار ویژگی را برمی‌شمارد که

عبارتند از: الف) اعضای این جامعه شامل گروهی از دولتها می‌باشند؛ ب) این گروه از دولتها دارای ارزشها و منافع مشترکی هستند؛ ج) آنها محدود به یک مجموعه از قوانین مشترک هستند؛ و د) این گروه در ایجاد نهادهای مشترک سهم دارند. از سوی دیگر بول تاکید می‌کند که علاوه بر ویژگیهای فوق برای تشکیل جامعه بین‌الملل دستیابی به سه هدف اساسی ضروری است که عبارتند از: پرهز از خشونت یا ایجاد محدودیتهایی برای خشونت‌ورزی، پذیرش حق مالکیت و احترام به آن و تضمین پایبندی به توافقات از سوی اعضای جامعه (Bull 1977, 174). جامعه بین‌الملل مکتب انگلیسی بر دو رویکرد استوار است. این دو رویکرد عبارتند از تکثرگرایی و همبستگی‌گرایی. در پلورالیسم بر جامعه بین‌الملل دولت-محور تاکید می‌شود و حقوق بین‌الملل حائز اهمیت است و در پیوند با رئالیسم است. اما سویل‌داریسم یا همبستگی‌گرایی بر ارزش‌های جهانی در جامعه بین‌الملل و حقوق طبیعی تاکید می‌کند و در پیوند با لیبرالیسم است. (بوزان، لینکلتر و سوگانامی، ۲۰۰۶: ۷۴-۷۹ و میال ۲۰۰۰) با وجود برخی تفاوتها، پلورالیسم و همبستگی-گرایی سه اصل را به خدمت می‌گیرد که عبارتند از:

توصیف تجربی از نوع خاصی از نظم

چارچوبی معیار برای نقد مفهوم نظم

تئوری تغییر که تحول نوع خاصی از نظم را در درون خود و انتقال از یک نوع به نوع دیگر را توضیح دهد. (Bain, 2010)

۱-۱. کثرت‌گرایی (پلورالیسم): علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به جامعه بین‌الملل دولت‌محور جامعه پلورالیستی اطلاق می‌شود (بوزان، لینکلتر و سوگانامی، ۲۰۰۶: ۷۴-۷۹ و میال ۲۰۰۰). پلورالیسم علاوه بر دولت بر نظم نیز تاکید فراوانی دارد و شکل‌گیری جامعه بین‌الملل را منوط به ایجاد نظم در بستری از اشتراکات و منافع می‌داند و آنچه که از اهمیت بیش‌تری برخوردار است اصولی است که باعث موجودیت دولتها می‌شوند. این موارد عبارتند از حاکمیت، دیپلماسی، قانون بین‌المللی، جنگ و مدیریت قدرت‌های بزرگ تا جامعه بین‌الملل بتواند به آنها نائل شود. بر همین مبنا در رویکرد پلورالیستی، نظم بر عدالت ترجیح دارد. (Bull. 1977)

تاکید پلورالیسم بر دولت و نظم نشان می‌دهد که مهمترین رکن پلورالیسم را همزیستی و درک متقابل اعضا تشکیل می‌دهد.

۱-۲. همبستگی گرای

همبستگی‌گرایی رویکردی از جامعه بین‌الملل انگلیسی است که به جامعه جهانی بسیار نزدیک است. همبستگی‌گرایی علاوه بر پذیرش ویژگی‌های پلورالیستی برای جامعه، عدالت را رکن بسیار مهمی می‌داند. در دیدگاه همبستگی‌گرای گروسیوس، بر جامعه بین‌الملل، حقوق بین‌الملل حاکم است. در این نوع تفسیر، دولت‌ها مجاز به دفاع از خود و مداخله برای حمایت از مردم سرکوب‌شده و نیز ملزم به رعایت حقوق بین‌الملل هستند. (مارتین گریفیتس، ۱۹۱۳۹۱) با توجه به تاکید همبستگی‌گرایی بر اجرای حقوق بین‌الملل، این رویکرد مبنایی حقوقی دارد. همبستگی‌گرایی تاکید می‌کند که دولت‌ها یا سایر اعضای جامعه متعهد می‌شوند که جامعه و نهادهای آن را در برابر چالش‌هایی که آن را تهدید می‌کند حفظ کنند. گروسیوس با دکتترین همبستگی‌گرایی در جستجوی این است که جنگ در جهان محدود شود و جامعه بین‌المللی تحقق یابد. بنابراین تلاش می‌شود که در دل جامعه بین‌الملل ویژگی‌های مرکزی و اصلی جامعه‌ی محلی بازتولید شود. نظام قوانینی که گروسیوس از آن نام می‌برد می‌تواند به پیروزی در هر جنگی که هر گروه یا حزبی در آن به دنبال عدالت است کمک کند. در دکتترین همبستگی‌گرایی مخاصمه و رویارویی به همکاری و همبستگی تبدیل می‌شود و مهمتر آن که دولت‌ها براساس رضایت به آن تن می‌دهند.

۲- نهادهای برساخته در خاورمیانه از منظر جامعه بین‌الملل (سنت خردگرا)

از نظر استعاره معروف "جعبه تخم‌مرغ" و نیستند در مورد جامعه بین‌المللی (که در آن دولت‌ها به تخم‌مرغ و جامعه بین‌المللی به جعبه تشبیه شده‌اند)، می‌توان نابرابری در شکل‌گیری جامعه بین‌الملل را به‌عنوان ماهی‌تابه‌ای از (تخم‌مرغ‌های) نیمرو تلقی کرد. اگرچه تقریباً تمام دولت‌ها در این نظام به یک جامعه میان‌دولتی پراکنده و کثرت‌گرا (لایه سفیده تخم‌مرغ) تعلق دارند، ولی مجموعه‌های نیمه‌جهانی و یا منطقه‌ای موجود دارند که بر روی آن لایه قرار دارند که هم از عرصه جهانی متراکم‌تر هستند، و هم تا حدودی به‌طور جداگانه به شیوه‌هایی متفاوت از یکدیگر توسعه یافته‌اند (زرده‌های

تخم مرغ (Buzan and Gonzalez-Pelaez, 2005, 123). در خاورمیانه جامعه بین الملل به شیوه متفاوت از اتحادیه اروپا یا آسه آن شکل یافته است. همانطور که اشاره شد حقوق بین الملل بر جامعه بین الملل حاکم است و دولت‌ها با رضایت به مبانی آن تن می‌دهند و جامعه بین الملل همبستگی گرا زمانی رخ می‌دهد که همبستگی گرای بی‌پذیرش ارکان حاکمیت، سرزمین، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل از نظام بین الملل و نظم، دولت محوری و اجرای حقوق بین الملل از جامعه بین الملل کثرت گرا به جایگاهی رسیده است که بر عدالت، حقوق بشر و حفظ نهادها تاکید می‌نماید. اما در خاورمیانه نقص شکل‌گیری جامعه بین الملل از یک سو و سوءبرداشت نسبت به نظم و عدالت از سوی دیگر هم ایجاد جامعه بین الملل کثرت گرا و هم همبستگی گرا را با موانع بسیاری روبرو کرده است. نقص توسعه جامعه بین الملل در ایجاد اسمی نهادهای برساخته و ناتوانی در حفظ آن خود را نشان می‌دهد. نهادها ایجاد می‌شوند اما کارکرد آنها همسو با اهداف جامعه بین الملل نیست و گاهی در تعارض با آن اهداف عمل می‌کنند. اغلب کشورهای عربی و اسلامی چهار نهاد برساخته در خاورمیانه در راستای همکاری‌های مشترک تاسیس کردند که اغلب این نهادها کارکردهای سینوسی در جهت تامین منافع و هم‌زمان معارض با آن دارند. در درازمدت هم این نهادها در حفظ اهداف ناتوان بوده‌اند و عملاً کارکرد خود را از دست داده‌اند. مهمترین نهادهای برساخته در خاورمیانه عبارتند از: اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان اوپک و شورای همکاری خلیج فارس.

۱-۱ اتحادیه عرب: با شکست ناسیونالیسم عربی در دهه‌ی شصت، بار دیگر گرایش به ناسیونالیسم افزایش یافت که ظهور آن از طریق اتحادیه عرب بود. با تلاش بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم، اندیشه تشکیل اتحادیه عرب قوت گرفت و در سال ۱۹۴۴ در ماه اکتبر، کنفرانس عرب در اسکندریه تشکیل شد که مصر، اردن، سوریه، لبنان، عراق، یمن شمالی و عربستان سعودی و فلسطین در آن شرکت داشتند. این کنفرانس در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ نیز در قاهره برگزار شد. اتحادیه عرب پس از شکل‌گیری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی در توسعه مخابراتی و قضایی و نظامی فعالیت می‌کند و بیست و یک کشور عرب و سازمان ساف عضو آن هستند. در نگاه نخست،

اتحادیه عرب، در ادامه پان عربیسم تصور می‌شود؛ حال آن که اتحادیه عرب خود را ملزم می‌داند که استقلال کشورهای عربی را به رسمیت بشناسد، و همین موضوع اختلاف اساسی میان اتحادیه عرب و پان عربیسم را آشکار می‌کند. شکل نهایی و آرمانی اتحادیه عرب، مدل اتحادیه اروپا است اما در فعالیت‌های فعلی خود به‌عنوان رابط کشورهای عربی عمل می‌کند. رویکرد اصلی اتحادیه عرب، همبستگی گرایانه است اما تضاد منافع، بحران مشروعیت، تضاد موضوعات فراملی، فرو ملی و ملی نتوانسته است توفیق چندانی نصیب این اتحادیه نماید. دلیل این عدم توفیق را می‌توان در نزاع‌های کوچک و بزرگی دید که در منطقه و در میان کشورهای عضو اتحادیه به وقوع پیوسته است مشاهده کرد. جنگ‌های عربستان سعودی و یمن، عراق و کویت، منازعه لبنان و جمهوری متحده عربی و جنگ‌های داخلی و فرقه‌ای لبنان. هم‌چنین درباره نقض حقوق بشر در کشورهای عضو اتحادیه عرب نیز، این اتحادیه توفیق چندانی نداشته است و عمدتاً در دستور کار آن قرار ندارد.

۲- سازمان کنفرانس اسلامی: سازمان کنفرانس اسلامی، تنها سازمان بین دولتی است که تقریباً تمامی کشورهای اسلامی را دربرمی‌گیرد. این سازمان پس از سازمان ملل، پرتعدادترین عضو را دارد و مشخصه دیگر آن این است که این سازمان مبتنی بر ارزش‌های ایدئولوژیک پایه‌ریزی شده و ماهیت دینی دارد. (Noor;1994:6) سازمان کنفرانس اسلامی ۵۷ عضو دارد که در چهار قاره جهان پراکنده‌اند، اعضا براساس نوعی تقسیم‌بندی رسمی به سه گروه عرب، آفریقایی و آسیایی تعلق می‌گیرند که عرب‌ها گروه اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند و درواقع با اتحادیه عرب هم‌پوشانی دارند. بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها دست آنان بازتر می‌باشد. هزینه‌های مالی سازمان از سوی کشورهای عضو ثروتمند نظیر عربستان تأمین می‌شود و دبیرخانه آن در جده واقع شده است. این سازمان از بخش‌های «بانک توسعه اسلامی» «مجمع فقه اسلامی» «کمیته قدس» «سازمان امور فرهنگی اسلامی» و «کمیته دائم همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی» تشکیل شده است. این سازمان بر مبنای یک منشور ۱۴ ماده‌ای فعالیت می‌کند که در اجلاس سوم در سال ۱۹۷۲ در جده به تصویب وزیران خارجه کشورها رسیده است. مهم‌ترین موضوع در این منشور آن است که هیچ تعهد خاصی مبنی بر اجرای

احکام شریعت اسلامی در کشورهای عضو در منشور سازمان مطرح نشده است و هم-چنین هیچ معیاری برای شناسایی کشور اسلامی هم مشخص نشده است. بنابراین هر کشوری که تعداد قابل توجهی اقلیت مسلمان داشته باشد می‌تواند به عضویت سازمان درآید. (Al-Mashet;1994:138) این سازمان طبق منشور ۱۴ ماده‌ای هفت هدف اصلی را برای خود مشخص کرده است که بخشی از آن ایدئولوژیک و بخشی جهان شمول است. این هدف‌های هفت‌گانه عبارتند از:

- ۱- ارتقای همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو
 - ۲- حمایت از همکاری کشورهای عضو در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی
 - ۳- تلاش برای محو تبعیض نژادی و خاتمه بخشیدن به استعمار
 - ۴- تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس و آزادسازی آن‌ها و حمایت از مبارزه فلسطین
 - ۵- اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی مبتنی بر عدالت
 - ۶- حمایت از مبارزه ملل اسلامی برای حفظ کرامت، استقلال و حقوق ملی‌شان
 - ۷- ایجاد فضای مناسب برای ارتقاء همکاری و تفاهم میان کشورهای اسلامی و دیگر کشورها (دلیل منطقه الموتر الاسلاتی الصفحه الثامنه)
- همان‌طور که در اهداف سازمان کنفرانس اسلامی بر آن تأکید شده است، همبستگی‌گرایی مورد تأکید سازمان اگرچه ایدئولوژیک است اما هدف آن دست‌یابی به یک جامعه بین-الملل همبستگی‌گرا است که بند سوم آن نیز بر محو تبعیض نژادی تأکید می‌کند. اصل چهارم نیز عدالت را مورد توجه قرار می‌دهد که از نظر همبستگی‌گرایی موضوع حائز اهمیتی است. اما در عمل، سازمان نتوانسته است به اهداف خود حتی به صورت نسبی دست پیدا کند. جنگ‌های مختلفی که در خاورمیانه به وقوع پیوسته اگرچه نام مذهبی ندارند، عملاً محتوای اغلب آن‌ها مذهبی است که نقض نخستین اصل اهداف سازمان می‌باشد. ناتوانی سازمان کنفرانس اسلامی در ایجاد همبستگی اسلامی به ظهور گروه‌های تندرو انجامیده که خاورمیانه را کانون بی‌ثباتی معرفی کرده است. با وجود تمام سازمان‌های اسلام نهاد و عرب نهاد منطقه، بهار عربی در سال ۲۰۱۱، کشورهای عربی را چه آنان که با شریعت اسلامی اداره می‌شدند و چه آنان که به آن کم‌تر توجه داشتند - به لرزه درآورد. بهار عربی حتی فرضیه‌های غربی درباره‌ی کشورهای عرب خاورمیانه و

شمال آفریقا را باطل کرد که باور داشتند این کشورها استعداد ایجاد تغییرات سیاسی از طریق شورش‌های عمومی را ندارند (Saikal;2016:181). سازمان کنفرانس اسلامی در طول حیات خود نشان داده‌است که نگاهی رئالیستی بر آن حاکم است و همین موضوع باعث شده‌است که اعضا به دنبال منافع خود باشند. این سازمان که بعدها به نام سازمان همکاری اسلامی تغییر نام داد، اکنون در شرایطی است که جریان‌های سلفی و تکفیری و بنیادگرایی ویران‌کننده در منطقه خاورمیانه رشد یافته‌است. منطقه غزه به یک فاجعه جهانی تبدیل شده و جنگ و تنش میان کشورهای اسلامی هر روز بیشتر می‌شود. (بیگ زاده، ۱۳۹۰) با توجه به متون اسلامی که جهان را به دارالاسلام و دارالحرب تقسیم می‌کرد و انتظار داشت که سرزمین‌های اسلامی که در گستره دارالاسلام قرار می‌گیرند در صلح و ثبات و امنیت زندگی کنند، و اگر جنگی به وقوع می‌پیوندد با کشورهای مستقر در دارالحرب باشد، این اصول خلاف انتظار محققان درآمده‌اند و بیشترین جنگ‌ها میان کشورهای اسلامی مستقر در دارالاسلام است و همین کشورها با کشورهای دارالحرب روابط دوستانه و صلح‌آمیزی دارند (Buzan,1998: 135-139).

اگر بپذیریم که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند فقط با تکیه بر بنیان اعتقادی صریح پابرجا بماند، دولت‌ها زمانی می‌توانند حکومت کنند که دین غالب در فرهنگ منتشر شده باشد (روا، ۱۳۹۶: ۱۹۵). هر دولت یا سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی که بخواهد از دین به‌عنوان ابزار قدرت استفاده کند به ناکامی کشیده می‌شود. دین سیاسی (اسلام سیاسی) محکوم به شکست است، زیرا با سکولاریزاسیون در حوزه‌ای که مخصوص آن است رقابت می‌کند، یعنی در فضایی سیاسی (ملت، دولت، شهروند، قانون اساسی و دستگاه قضایی) (روا، ۱۳۹۶: ۲۴) در صورتی که دنیای مدرن با سازوکار مخصوص خود، جهان سیاست را تعریف می‌کند و مبنای عمل آن این جهانی است، دین سیاسی به دنبال یکسان‌سازی یا یکسان‌انگاری جامعه است و اگر با برداشتی متفاوت از برداشت خود مواجه شود اگر قدرت داشته باشد آن را حذف می‌کند و اگر قدرت نداشته باشد در خصوص ناکامی برداشت رقیب توطئه می‌سازد. سازمان کنفرانس اسلامی یا همان سازمان همکاری اسلامی نیز با وجود استفاده از چتر اسلامی، در موقعیتی قرار دارد که چندین رقیب زیر آن جمع شده‌اند که امکان خصومت عملی را به صلاح نمی‌دانند و در

توطئه دائم علیه یکدیگر هستند. منشأ این خصومت و توطئه دائمی دین سیاسی است. «دین سیاسی در میان دو امر الزام‌آور گرفتار است. از یک سو بی‌ایمانی، فاجعه و از سوی دیگر ایمان مقوله‌ای شخصی است. دین سیاسی پیرو این اصل است که تمام افراد باید مؤمن باشند، اما نمی‌تواند چنین ایمانی را تضمین کند. در نتیجه به ناچار به ظواهر چنگ می‌اندازد و همین مسئله اجازه نمی‌دهد دین سیاسی به‌عنوان ایمانی که در دل تمام افراد جامعه نفوذ کرده‌است، تعریف شود. (روا، ۱۳۹۶: ۲۵)

در سطح منطقه‌ای اگر به رابطه کشورهای اسلامی از منظر دینی و اهداف سازمان همکاری اسلامی توجه شود، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور عربستان سعودی و ایران در بدترین شرایط قرار دارد، حال آن که در میان کشورهای اسلامی این دو کشور از نظر اجرای شریعت اسلامی با سخت‌ترین قوانین اداره می‌شوند. رویکرد این دو کشور از نظر دینی، اجرای تمام قوانین شریعت است که باید مبتنی بر همبستگی‌گرایی باشد، اما در سطح منطقه‌ای رفتار آنان به شکل خصومت‌آمیز و واگرایانه قرار دارد و تلاش آنها نیز اتحاد با قدرت‌های بزرگ برای تضعیف یکدیگر می‌باشد. در منطقه خاورمیانه نه پیوندهای نژادی و نه پیوندهای دینی و مذهبی نتوانسته‌است باعث همبستگی دولت‌های مسلمان شود و علاوه بر تنش میان آنان، تنش و شکاف قابل توجهی میان دولت‌ها و ملت‌ها هم به وجود آمده است. ناکامی در همبستگی میان دولت‌های اسلامی و ناتوانی در ایجاد رفاه، امنیت و ثبات در این جوامع حاکی از آن است که وقتی دین به‌عنوان ابزار قدرت مورد استفاده قرار گیرد توان ایجاد ثبات و رفاه و همبستگی را ندارد، در نتیجه در ایجاد جامعه بین‌الملل مورد تأکید مکتب انگلیسی ناکام می‌ماند.

۳- سازمان اوپک: تأسیس سازمان اوپک به پیشنهاد یک کشور نفتی غیر خاورمیانه‌ای یعنی ونزوئلا شکل گرفت؛ البته در سپتامبر ۱۹۶۰ دولت عراق با دعوت از کشورهای نفت خیز منطقه یعنی ایران، کویت، عربستان و ونزوئلا در بغداد، این اجلاس را شکل داد. سازمان اوپک در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۵ گسترش یافت و بر اعضای آن افزوده شد که قطر، اندونزی، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر و نیجریه هم به آن پیوستند. این سازمان اگرچه یک سازمان فرامنطقه‌ای به حساب می‌آید اما چون عمده کشورهای عضو

آن، در خاورمیانه واقع شده‌اند، تأثیرگذاری آن متأثر از تصمیمات کشورهای منطقه می‌باشد. اهداف سازمان اوپک عبارتند از:

۱- ترمیم و تثبیت بهای نفت خام و فرآورده‌های نفتی در بازارهای جهانی

۲- هماهنگی سیاست‌های نفتی تولیدکنندگان

۳- حفظ منافع فردی و جمعی کشورهای عضو

این سازمان چهار رکن دارد که عبارتند از کنفرانس (معمولاً وزیران نفت کشورها در آن شرکت می‌کنند)، هیأت عامل (متشکل از نمایندگان کشورهای عضو)، دبیرخانه که در رأس آن دبیرکل قرار دارد و کمیسیون اقتصادی. با توجه به این که اکثریت کشورهای عضو اوپک را کشورهای عربی تشکیل می‌دهد، این کشورها در سال ۱۹۶۸ سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت را در بیروت تأسیس کردند. این سازمان یک نهاد تخصصی است که آن را می‌توان در چارچوب مکتب انگلیسی و ذیل نهاد بازار تعریف کرد. این سازمان تنها سازمانی است که موفقیت‌های نسبی منطقه‌ای برای خاورمیانه به دست آورده‌است. کشورهای عضو سازمان نزدیک به دو سوم ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند و در صورت توافق تصمیم آن‌ها بر بازار جهانی تأثیرگذار خواهد بود. یک نمونه‌ی این تأثیرگذاری، تصمیم اوپک در بحران نفتی ۱۹۷۳ بود. سازمان اوپک تصمیم گرفت که از صدور نفت به کشورهایی که در جنگ اکتبر از اسرائیل حمایت کرده بودند خودداری کند. خودداری اوپک از صدور نفت باعث افزایش قیمت آن به ۴ برابر شد که به مدت ۵ ماه ادامه داشت. آن‌ها پس از آن تصمیم گرفتند تا قیمت نفت را ۱۰٪ افزایش دهند. بروز جنگ ایران و عراق باعث شد که همبستگی میان کشورهای عضو سست شود و کشورهای عضو نیز به رقابت با یکدیگر پردازند. البته این سازمان توفیق نسبی را هم‌چنان حفظ کرده‌است. اما چون اغلب کشورهای عضو تک محصولی و متکی به نفت هستند، این همبستگی بسیار شکننده‌است.

۴- **شورای همکاری خلیج فارس:** شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) متشکل از شش کشور عربی شامل عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد. ویژگی این سازمان نیز دولتی بودن آن است و همکاری‌های بین دولتی را در نظر دارد. وجه مشترک اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس

اسلامی، اوپک و شورای همکاری خلیج فارس این است که نژاد عربی در همه آن‌ها به چشم می‌خورد و این نشان از پیگیری پان عربیسم دولتی به مفهوم منافع مشترک دولت‌های عرب در آن‌ها بارز است. تشکیل این سازمان پس از آغاز جنگ ایران و عراق و وقوع انقلاب در ایران به نظر می‌رسد که در واکنش به تهدید ایران انقلابی بوده باشد. در واقع سقوط شاه به عنوان ژاندارم منطقه باعث ایجاد خلأ قدرت در منطقه شد که اتحادهای جدیدی شکل گرفت. این سازمان بر مبنای اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی شکل گرفته است که عبارتند از:

- ۱- توسعه همکاری میان کشورهای عضو
 - ۲- ایجاد هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، آموزشی و قانون‌گذاری
 - ۳- همکاری‌های علمی و توسعه فن‌آوری در میان کشورهای عضو
 - ۴- تأمین ثبات منطقه خلیج فارس
 - ۵- هماهنگی در سیاست خارجی و دفاعی
 - ۶- همکاری در مقابل ناآرامی‌های داخلی و تهدیدات خارجی
 - ۷- ایجاد نیروی نظامی و نیروی پلیس ضدتروریستی مشترک
 - ۸- واحد پول مشترک (سیف‌زاده، روشندل، ۱۳۷۹: ۱۴۷)
- با توجه به اهداف برشمرده شده به نظر می‌رسد که این شورا قصد دارد با برقراری هماهنگی و مناسبات نزدیک‌تر در همه حوزه‌ها، یکی از مؤثرترین طرح‌های فرامنطقه‌ای در جهان عرب شکل گیرد. هدف مشترک کشورهای عضو، مقابله با تهدید ایران است که این هدف در تعارض با اهداف سازمان کنفرانس اسلامی است. (درایس دل و بلیک، ۱۳۶۹: ۳۵۱) از سوی دیگر با رشد سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ای شدن ارتباطات در جهان، این شورا سعی کرده است که به عنوان مرکز اقتصادی در جهان عرب ایفای نقش کند. شورای همکاری خلیج فارس با مشاهده ناکامی اهداف مبتنی بر هنجارهای سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب به روند کارکردی روی آورده است و سعی کرده الگویی برای کشورهای منطقه ارائه نماید. از نکات درخور توجه دیگر درباره‌ی این شورا، می‌توان به در امان ماندن این کشورها از شورش‌های بهار عربی اشاره کرد. اگرچه اغلب کشورهای عضو با موضوع عدم مشروعیت داخلی مواجه هستند، اما سیاست‌های

همهانگ آنان از فروپاشی دولت‌هایشان جلوگیری کرد. کشورهای عضو شورا، برای اتحاد نیروهای نظامی خود، دست به تشکیل نیروی دفاعی واحدی به نام «نیروی واکنش سریع شورای همکاری» زدند. این موضوع در اجلاس وزیران خارجه در ژانویه ۱۹۸۲ که در ریاض تشکیل شده بود طرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. شیخ سالم - الصباح وزیر دفاع کویت، در جلسه فوق‌العاده امور داخلی و دفاعی پارلمان کویت درباره‌ی این نیرو گفته است، این نیرو مرکب از دو تیپ است که در شعیب‌الباطن عربستان مستقر خواهد شد. نیروی مد نظر تحت فرماندهی یک افسر سعودی خواهد بود که افسرانی از پنج کشور عضو او را یاری می‌کنند (جمالی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). در سال‌های اخیر اختلافات گسترده‌ای میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس به وجود آمده، از جمله اختلاف میان عربستان و قطر، این شورا مثل گذشته هماهنگ عمل نمی‌کند و حتی عربستان و امارات اقدام به ایجاد پیمان دو جانبه کرده‌اند. مجموع رفتار اعضای شورای همکاری خلیج فارس نشان می‌دهد که این شورا نیز از اهداف خود تهی شده است.

۳- نهادهای برساخته در خاورمیانه از منظر جامعه بین الملل (سنت خردگرا)

ناتوانی نهادها و سازمان‌های بین دولتی و تصویر متعارض آن با خواست ملت‌های منطقه باعث شکل‌گیری نهادهای فرا دولتی شده است که خاورمیانه را بیشتر به سنت انقلابی گرا (جامعه جهانی) نزدیک کرده است. و ابزار جدید ارتباطی اعضای غیر دولتی آن را چون شبکه‌ای به هم متصل کرده است. مهمترین نهادهای برساخته فرا دولتی که ملت‌های خاورمیانه را به هم پیوند داده پان عربیسم و پان اسلامیسم است. این جوامع مبتنی بر نژاد و ایدئولوژی مردم منطقه خاورمیانه را با یکدیگر پیوند داده اما اهداف آن بیشتر نژادی یا ایدئولوژیک است و در تعارض با حقوق بین الملل و حقوق بشر که این ویژگی‌ها آن را معارض جامعه بین الملل مکتب انگلیسی تصویر می‌کند. در سنت انقلابی گرا (جامعه جهانی) محوریت دولت نقض می‌شود و دولت به عنوان یک بازیگر معمولی در کنار سایر بازیگران عمل می‌کند. داناتوانی دولتها در برقراری نظم و عدالت و حقوق بین الملل باعث ایجاد شکاف دولت - ملت در اغلب کشورهای اسلامی و خاورمیانه شد و ملت‌های خاورمیانه به دو جنبش پان عربیسم و پان اسلامیسم گرایش یافتند که از شما آفریقا تا خاورمیانه و جنوب آسیا را دربر گرفته است. این جنبشها

منحصر به همین منطقه است و رشد اسلام گرایی باعث پر رنگ تر شدن سنت جامعه جهانی شده است.

۱-۳. پان عربیسم:

کشورهای خاورمیانه بجز اسرائیل و ایران اغلب عرب هستند. در ابتدای تشکیل این کشورها، دولتهای عربی با تکیه بر عربیت خود اتحادیه عرب را تشکیل دادند و نقطه همگرایی را بر زبان و نژاد محکم کردند. مهمترین اصل امنیتی اتحادیه عرب این بود که هیچ کشور عربی برای حل اختلافات خود بر کشور عربی دیگر نباید دست به اسلحه ببرد و اختلاف خود از طریق نظامی حل کند. اما با استقرار دولتهای عربی این اصل اساسی بارها نقض شد و دولتها تنها و مهمترین راه حل و فصل اختلافات خود را راه حل نظامی می دانستند. اختلافات دولتهای عربی با یکدیگر و شکست از اسرائیل باعث شد که پان عربیسم میان دولتی به پان عربیسم فرا دولتی گذر کند و ملتهای عرب علیه اسرائیل و همچنین علیه دولتهای خود و قدرتهای بین المللی نهاد تاثیرگذاری شکل دهند.

۲-۳. پان اسلامیسیم:

شکست کشورهای عربی در سال ۱۹۶۷ از اسرائیل فاصله زیادی میان دولتهای عربی از یکدیگر و از ملتهای عربی ایجاد کرد و جنبش‌هایی نظیر اخوان المسلمین در مصر و گروههای اسلامی در دیگر کشورها پیوند مشترکی میان گروههای اسلامی غیر دولتی ایجاد کرد. این پیوند با پیروزی انقلاب ایران محکمتر شد و بستر فعالیت جنبشهای اسلام گرا را فراهم کرد. جنبش‌های میانه رو اسلامی به دلیل حرکت آرام در بستر فرهنگ نتوانستند نظر تندروهای اسلامی را تامین کنند و همین موضوع باعث شد که جنبشهای رادیکال اسلامی شکل بگیرد و فعالیت آنان منطقه خاورمیانه را متاثر کند. گروههایی نظیر القاعه، داعش و طالبان از گروههایی نظیر اخوان المسلمین پیشی گرفتند و خاورمیانه را تحت تاثیر قرار دادند. گروههای اخیر هر نوع فعالیتی را که باعث گسترش ایدئولوژی آنان شود مجاز می شمارند و همین موضوع نقطه تعارض عمده آنان با جنبشهای میانه رو است.

نتیجه گیری

نهادهای برساخته جامعه بین الملل در خاورمیانه که ابتدا مبتنی بر منافع و ارزشهای مشترک بوجود آمده بودند، به دلیل عدم پایداری اعضا به اهداف آن نتیجه متعارضی به بار آوردند. نهادهایی نظیر اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و سازمان کنفرانس اسلامی به اغلب اهداف خود نرسیدند. ناامیدی افراد از دولتها، سنت خردگرا را گسترش داد که البته در ادامه سنت جامعه بین الملل نیست بلکه در تعارض با آن و گاهی ضد آن عمل می کند. پان عربیسم و اسلام گرایی در حالی باعث قوت گرفتن جنبشهای رادیکال و ترریستی در منطقه گردیده که نهادهای بین دولتی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس از دست یابی به اهداف خود بازمانده اند. با توجه به آن که رهیافت مکتب انگلیسی به سه سنت واقع گرا، خردگرا و انقلاب گرا از منظر تکاملی می نگرد، در خاورمیانه این سه سنت اغلب در عرض یکدیگر و در تعارض با هم قرار می گیرند. بنابراین خاورمیانه منطقه ای است که تعارض منافع بر اساس مشترکات فرهنگی و مذهبی تعریف شده است و شکل گیری جامعه بین الملل بر اساس کارکرد نهادهای برساخته میان دولتی دور از دسترس به نظر می رسد.

منابع

- بوزان، بری، «*خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا*». ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳، ۱۳۸۱
- بوزان، بری، *از جامعه بین الملل تا جامعه جهانی*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸
- درایسدل و آلاسایدر و ملبک، جرالدا. *اچ، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدری (مهاجرانی)، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹
- روآ، اولیویه، *جهل مقدس* (زمان دین بدون فرهنگ، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۹۶
- سیف‌زاده، حسین، *نظریه‌های مختلف در روابط بین الملل*، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴
- فاست، لوئیس، *روابط بین المللی خاورمیانه*، ترجمه احمد سلطانی‌نژاد، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین المللی، ۱۳۹۱

فیلیپات، دانیل، کوبالکوا، وندولکا، *مذهب و روابط بین‌الملل* (نظریه و عمل)، ترجمهٔ عسگر قهرمان پور، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۹۴

کاستلز، مانوئل، *شبکه‌های خشم و امید*، ترجمهٔ مجتبی قلی پور، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۳

نقیب‌زاده، احمد، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۹۱

واعظی، محمود، *انقلاب و تحول سیاسی در خاورمیانه*، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، ۱۳۹۲

واعظی، محمود، *بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه*، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، ۱۳۹۲

- Buzan, Barry and Ana Gonzalez-Pelaez (eds.) (2009) **International Society and the Middle East: English School Theory at the Regional Level**, Basingstoke, Palgrave.
- Navari, Cornelia (2009) (ed.) **Theorising International Society: English School Methods**, Basingstoke: Palgrave.
- Ayooob, Mohammed (1999) **From Regional System to Regional Society: Exploring Key Variables in the Construction of Regional Order**, Australian Journal of International Affairs, 53:3, 247-60.
- Bull, Hedley (1971) **Order vs. Justice in International Society**, Political Studies, 19:3, 269-83.
- Bull, Hedley (1977) **The Anarchical Society. A Study of Order in World Politics**. London, Macmillan.
- Bull, Hedley (1990) **'The Importance of Grotius in the Study of International Relations'**, in Hedley Bull, Benedict Kingsbury and Adam Roberts (eds.), Hugo Grotius and International Relations. Oxford, Clarendon Press, 65-93.
- Bull, Hedley and Adam Watson, (eds.) (1984), **The Expansion of International Society** (Oxford: Oxford University Press.
- Bull, Hedley **'International Law and International Order'**, Review Essay, International Organization, 26. 3 (1972), 588.
- Bull, Hedley **'Society and Anarchy in International Relations'**, British Committee paper, (October 1961) Later published in H. Butterfield and M. Wight eds., Diplomatic Investigations. London, Allen and Unwin, 1966. (also in Alderson and Hurrell eds., 2000)
- Buzan, Barry (2006) **Rethinking Hedley Bull on the Institutions of International Society**, in Richard Little and John Williams (eds.) The Anarchical Society in a Globalized World, Basingstoke, Palgrave, 75-96.
- Buzan, Barry (2014) **An Introduction to the English School of International Relations: The Societal Approach**, Cambridge: Polity.
- Buzan, Barry, (1991) **People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era** (Hemel Hempstead, Harvester-Wheatsheaf), ch. 4.

۲۳۶

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و یک

تابستان ۱۴۰۰

- Buzan, Barry, **'The Middle East Through English School Theory'**, in Barry Buzan and Ana Gonzalez-Pelaez (eds.) (2009) *International Society and the Middle East: English School Theory at the Regional Level*, Basingstoke, Palgrave, 24-44.
- Dunne, Tim, (1998) **International Society: A History of the English School**. London, Macmillan.
- Gonzalez-Pelaez, Ana and Barry Buzan (2003) **'A Viable Project Of Solidarism? The neglected contributions of John Vincent's basic rights initiative'**, *International Relations*, 17:3, 321-39.
- Halliday, Fred, (1992) **'International Society as Homogeneity'**: Burke, Marx, Fukuyama, *Millennium*, 21:3, 435-61.
- Halliday, Fred, (1992) **'International Society as Homogeneity'**: Burke, Marx, Fukuyama, *Millennium*, 21:3, 435-61.
- Hurrell, Andrew (2001) **'Keeping history, law and political philosophy firmly within the English school'**, *Review of International Studies*, 27:3 (2001) 489-94.
- Hurrell, Andrew (2007) **'One world? Many worlds? The place of regions in the study of international society'**, *International Affairs*, 83:1, 127-146.
- Hurrell, Andrew (2007) **On Global Order: Power, Values and the Constitution of International Society**, Oxford, Oxford University Press.
- Jackson, Robert (1990a) **'Martin Wights International Theory and the Good Life'**, *Millennium: Journal of International Studies*, 19, 2, 261-72.
- Jackson, Robert (2005) **Classical and Modern Thought on International Relations: From Anarchy to Cosmopolis**, Houndmills, Palgrave.
- Jackson, Robert H. (2000) **The Global Covenant: Human Conduct in a World of States**, Oxford, Oxford University Press.
- Knudsen, Tonny Brems (2000) **'Theory of Society or Society of Theorists? With Tim Dunne in the English School'**, *Cooperation and Conflict*, 35:2, 193-203.
- Knudsen, Tonny Brems (2009) **Humanitarian Intervention and International Society: Contemporary manifestations of an explosive doctrine**, Abingdon: Routledge.
- Nardin, Terry (1998) **'Legal Positivism as a Theory of International Society'** in David R. Mapel and Terry Nardin (eds.), *International Society: Diverse Ethical Perspectives*, Princeton NJ: Princeton University Press.

- Nardin, Terry (2005) **Justice and Coercion**, in Bellamy, Alex J. (ed.) **International Society and its Critics**, Oxford University Press, ch. 14.
- Narine, S. (2006) **The English School and ASEAN**, *Pacific Review*, 19:2. 199-218.
- Navari, Cornelia (1982) **Hobbes and the —Hobbesian Tradition in International Thought**, *Millennium*, 11:3, 203-22.
- Valenzuela Samuel . J and Valenzuela, Arturo” **Modernization and Democracy** : Alternative Perspectives in the study of Latin American underdevelopment “, *Comparative Politics*, 10(july1978),553-557
- Wight, Martin (1966a) **The Balance of Power**, British Committee paper (April 1961) Later published in H. Butterfield and M. Wight eds., **Diplomatic Investigations**. London, Allen and Unwin.
- Wight, Martin (1977a) **International Legitimacy**, British Committee paper (April 1971) Later published in M. Wight, *Systems of States*. Leicester, Leicester University Press.
- Wight, Martin (1991) **International Theory: The Three Traditions**. Leicester, Leicester University Press/Royal Institute of International Affairs, Edited by Brian Porter and Gabriele Wight.

۲۳۸

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و یک

تابستان ۱۴۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی